

بررسی گفتمان غالب بر فرهنگ ورزش های مدرن
(مورد مطالعه ورزش های سازمان یافته درسه دهه اخیر)

کامبیز صنعتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

کمال جوانمرد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۰

زهرا حضرتی صومعه^۳

چکیده:

ورزش به یکی از فراگیرترین عوامل اشتراک فرهنگ‌های مختلف تبدیل شده است. ورزش در بسیاری از زمینه‌ها مرزهای زبانی، رنگ، نژاد، ملیت، قومیت، نژاد و طبقه را را درنوردیده است؛ مرزهایی که عموماً تمایزبخش فرهنگ‌ها در نظر گرفته می‌شوند. هدف از تحقیق حاضر، بررسی گفتمان غالب بر فرهنگ ورزش‌های مدرن است. هدف از تحقیق حاضر، بررسی گفتمان غالب جامعه ایرانی بر فرهنگ ورزش‌های مدرن است. رویکرد این پژوهش کیفی است. جامعه آماری این پژوهش تمام شماری شد و ۳۰ نفر روسای فدراسیون‌های هیات رئیسه ورزش‌های مدرن که در سی سال اخیر دارای سازمان شده اند؛ بررسی شد، که عبارتند از (اسکیت، بیلپارد، بولینگ، بوکس و انجمن‌های ورزشی کبدم، اسکواش، تیروکمان، گلف، ووشو، ورزش‌های سه‌گانه، کوهنوردی، پرورش اندام و چوگان). روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. برای تحلیل اطلاعات از روش AHP استفاده شد کلیه محاسبات نیز در نرم‌افزار ExpertChoice انجام شده است. نتایج بدست آمده حاکی از این است که معیار سیاسی با وزن ۰/۴۶۳ رتبه اول، معیار اقتصادی با وزن ۰/۲۰۴ رتبه دوم، معیار اجتماعی با وزن ۰/۱۵۰ رتبه سوم، را کسب کرده است. در تبیین این واقعیت می‌توان گفت ورزش‌های مدرن از کارکرد اصلی متصور برای ورزش

۱ - گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: sanati_kambiz@yahoo.com

۲ - گروه روان‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس ایران (نویسنده)

مسئول) Email: javanmardkamal@yahoo.com

۳ - گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: hazrati14@yahoo.com

که تندرستی و سلامتی است، فاصله گرفته‌اند و بیشتر به استخدام کارکردهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی درآمده‌اند. این گفتمان‌ها به اندازه‌ای تفوق یافته‌اند که در مقام تحلیل، گفتمان جسمی و شخصیتی ورزشکار به لحاظ اولویت آخرین رتبه را به دست آورده است.

کلید واژگان: گفتمان غالب، فرهنگ ورزش‌های مدرن، معیار سیاسی، معیار اقتصادی

مقدمه

ورزش در جوامع ابتدایی فقط به عنوان فعالیتی جسمانی و فیزیکی برای سلامتی جسم و روح شناخته می‌شد اما امروزه کارکردهای گسترده‌تری یافته است. نظام ورزش به مثابه ساختاری در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند به جامعه کمک کند و تغییرات مثبتی ایجاد کند. ورزش امروزه فراتر از فعالیتی جسمانی و فیزیکی صرف، به پدیده‌ای تأثیرگذار و در عین حال تأثیرپذیر از اقتصاد، فرهنگ، سیاست و جامعه مبدل شده است. زبان و منطق رقابت و رفتار ورزشی در متن و گفتگوی روزمره عصر جدید نقش بسته است. هر یک از جامعه‌شناسان از منظری خاص به بررسی زبان ورزش به پرداخته‌اند و کارکردها و ساختارهای متفاوتی را برای آن قائل شده‌اند. زبان ورزش نمودهای متفاوتی در جوامع مدرن و سنتی داشته باشد. نظرگاهی که از آن به ورزش نگریسته می‌شود، تا حدود بسیار زیادی پرسش‌های ممکن را نیز تعیین می‌کند. برای مثال، بوردیو در مقاله‌ای با عنوان «کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی» ورزش را به عنوان کنشی اجتماعی معرفی می‌کند. مکتب فرانکفورت موضعی انتقادی در قبال نظام ورزش در عصر جدید دارد و آن را ابزاری جهت تسلط بیشتر دولت حاکم می‌داند (بوردیو، ۱۳۸۱: ۶).

از منظر اقتصاد سیاسی، بررسی واقع‌گرایانه پدیده ورزش دور از هرگونه تحریف، مستلزم لحاظ کل فعالیت‌ها و سرگرمی‌های حول نظام ورزش در عصر جدید به مثابه «عرضه» ای در برابر «تقاضا»یی اجتماعی است. استفاده چنین الگویی، پرسش‌های فراوانی را پیش می‌کشد. پرسش‌هایی از این دست که آیا میدان، منطق یا تاریخ خاصی وجود دارد که مفهوم «ورزش» در معنای امروزی آن، با اتکای به آن و بر اساس مناسبات آن سر برآورده باشد؟ آیا می‌توان از قلمرو فعالیت‌ها و سرگرمی‌های ورزشی به عنوان نوعی میدان در معنای بوردیویی کلمه سخن گفت؟ به تعبیری، آیا می‌توان از میدان «ورزش» روایتی اجتماعی ارائه داد که فهم آن کاملاً متوقف بر ملاحظات تاریخی است؟ تحت چه شرایط اجتماعی، ورزش‌ها یا پدیده‌های ورزشی مختلف (گلف، اسکی روی چمن و یا تماشای مسابقات جام

جهانی در تلویزیون) امکان بروز اجتماعی می‌یابند؟ به‌بیان‌دیگر، تقاضای «ورزشی» چگونه تولید و ساخته می‌شود و «ذائقه» یا «سلیقه» ورزشی مردم چگونه برساخته می‌شود؟ مردم بر چه اساسی فعالیت این فرد معتقد باشد ورزش‌ها و سرگرمی‌ها، صرف‌نظر از زمان‌ها، مکان‌ها و محیط‌های اجتماعی-فرهنگی‌ای که گرایش به آنها بالا می‌گیرد یا دچار افول می‌شود، اموری طبیعی و در جهت پاسخگویی به نیازهایی طبیعی هستند (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۰).

بررسی مستوفای پدیده ورزش مستلزم لحاظ عواید اجتماعی ورزش قرین با فهرست عوایدی «ذاتی» است که ورزش برای بدن دارد. بنابراین، ورزش به‌مثابه کنشی اجتماعی عوایدی اجتماعی نیز دارد که به‌طور نابرابر توسط طبقات مختلف کسب و انباشت می‌شود (طبقاتی که به صورتی نابرابر به این عواید دسترسی دارند). برای مثال، گلف، علاوه بر کارکردهای مشخصاً «سلامت‌بخشی» که دارد، واجد معنا و «دلالتی توزیعی» نیز هست (همان معنایی که متناظر با نحوه توزیع کنش‌های ورزشی در میان طبقات اجتماعی، بر آن کنش‌ها بار می‌شوند). نمونه‌ای دیگر وزنه‌برداری است؛ ورزشی که فقط عضلات را تقویت می‌کند و سال‌های سال، به‌ویژه در فرانسه، ورزش محبوب طبقه کارگر بوده است. تصادفی نیست که سال‌ها طول می‌کشد تا مسئولان برگزاری رقابت‌های المپیک، وزنه‌برداری را به رسمیت می‌شناسند؛ ورزشی که از نظر نهادهای اشرافی ورزش مدرن، فقط نمایش و نمادی از قدرت و توحش و فقر ذهنی یا در یک کلمه نمادی از طبقه کارگر بود (کری^۱، ۱۹۹۲: ۳۶).

مواردی از این دست نشان می‌دهند که ورزش، پدیده‌ای تک‌کارکردی نیست و ابعاد و کارکردهای متنوعی دارد. ابعاد و کارکردهای ورزش نیز به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، متناسب با تاریخ، فرهنگ و کنش‌های جاری در هر عصر متحول شده‌اند. این وضع، ایجاب می‌کند که پدیده اجتماعی ورزش به صورتی فرآیندی مورد تحلیل قرار گیرد. بسیاری از اندیشمندان این حوزه نیز مانند نوربرت الیاس و پی‌یر بورديو در بررسی پدیده‌های ورزشی به عوامل ساختاری‌ای اشاره کرده‌اند که ریشه‌هایی تاریخی و اجتماعی دارند. از دیدگاه ایشان، با طرح مباحث جهانی شدن در عصر جدید، ورزش نیز موقعیتی جدید در جوامع مختلف یافته است (بورديو، ۱۳۸۱: ۵۷) و هر کشور بر اساس سیاست‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود، گفتمان‌های خاصی را حمایت و دنبال می‌کند.

بررسی پدیده‌ای چون ورزش که تحولات آن در شبکه پیچیده و متنوعی از عوامل روی می‌دهد، مستلزم استمداد از سازه‌های نظری و مفهومی‌ای است که امکان شناسایی و صورت‌بندی روابط و مناسبات پیچیده دخیل در پدیده را در اختیار بگذارد. بررسی گفتمانی یکی از ابزارهایی است که

می‌تواند در این زمینه کمک کند. بررسی هر پدیده به صورت گفتمانی مستلزم آشنایی با مفهوم گفتمان است. مفهوم گفتمان نیز مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. گفتمان برساخت اجتماعی پرسش‌هایی را جمع به چیزهایی از قبیل هویت‌ها، فعالیت‌ها، دانش و فهم ما را که ممکن است بدیهی انگاشته شوند، پیش می‌کشد. هرچند برخی مشخصه‌های ساختارها و سازه‌ها و حتی فعالیت‌ها و نظام‌های دانش نسبتاً خودمختار و مستقل از بافت و زمینه هستند، اما این بدان معنا نیست که مطلقاً مفروض یا ایستا هستند و سوژه‌های زبانی و گفتمانی آن‌ها، در قلمرو اجتماعی یا فرهنگی گفتمان‌ها منفعلانه تحت انقیاد همیشگی‌اند. گفتمان و سوژه‌های آن، رابطه‌ای دیالکتیکی با بافت و زمینه اجتماعی خود دارند. آن‌ها به رغم محدودیت‌های اجتماعی‌ای که زمینه اجتماعی بر ایشان تحمیل می‌کند، در ساخت یا تغییر آن نیز سهیم‌اند. اصلاحات و تغییراتی که در گفتمان‌ها روی می‌دهند نیز از ضرورت‌ها و محدودیت‌های عام فرهنگ و جامعه برمی‌خیزند. با وجود این، هنجارها و قواعد اجتماعی را می‌توان به‌طور خلاقانه تغییر داد یا نقض کرد. این تخطی‌ها می‌توانند موجب پیدایش آرایش‌های جدید اجتماعی شوند (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۴۹).

بازنمایی مشترک مناسبات و نظم اجتماعی، قرین با فعالیت‌هایی ذهنی از قبیل تفسیر، تفکر، بحث، استنباط و یادگیری هستند و چارچوب اجتماعی شناخت ما را تعیین می‌کنند. گفتمان‌ها، ارتباطات و سایر اشکال کنش و کنش‌های متقابل را از طریق شناخت اجتماعی کنترل می‌کنند. گفتمان‌ها در ادراک ما از رویدادها و نهادهای اجتماعی و روابط قدرت نیز سهیم‌اند. بنابراین، شناخت اجتماعی در جایی میان سطوح خرد و کلان جامعه، میان گفتمان و عمل، میان فرد و گروه، یا عاملیت و ساختار شکل می‌گیرد. شناخت اجتماعی تولید، درک و تأثیر گفتار و نوشتار مسلط را تبیین می‌کند (ون‌دایک، ۱۳۷۷: ۱۹۳). کنش گفتمانی نیز ممکن است به شیوه‌های گوناگونی محدود شود. این محدودیت‌ها ممکن است از جانب منابع نهادی قدرت (مقامات، کارشناسان حرفه‌ای و ...) اعمال شوند یا به‌واسطه عضویت در گروهی خاص.

در هر جامعه و به فراخور ملاحظات اجتماعی و سیاسی، گفتمان‌های متمایزی سر برمی‌آورند که بازتاب ویژگی‌های ساختاری و اندیشه‌ای حاکم بر افراد جامعه‌اند. معنای پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در چارچوب گفتمان‌ها ساخته می‌شود. به نظر فوکو هر دوره گفتمان خاص خود را دارد و رخدادهای فقط در درون گفتمان خودش تحلیل‌پذیرند (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴). معنای اجتماعی کلمات و گفتارها،

کنش‌ها و نهادها همه در ارتباط با زمینه کلی‌ای درک می‌شوند که آن‌ها جزئی از آن هستند. معنا در ارتباط با رفتار کلی در حال وقوع و رفتار در ارتباط با گفتمان فهمیده می‌شود. بنابراین، در صورتی می‌توان معنای فرآیندی را درک کرد، توضیح داد و ارزیابی نمود که رفتار و گفتمانی شناسایی کرد که فرآیند مزبور در درون آن اتفاق می‌افتد. ورزش نیز از این قاعده مستثنا نیست و مسایل ورزشی مدرن صرفاً از منظر فرآیندی و همه‌جانبه فهم پذیرند؛ فرآیندی که به شناسایی گفتمان‌هایی بیانجامد که کنش‌های ورزشی در دل آنها و متکی بر آنها اتفاق می‌افتند.

در ایران نیز ورزش‌ها مسیر خاص خود را برای رشد و توسعه یا طرد و انزوا طی می‌کنند. برای مثال، برخی ورزش‌های مدرن که در سه دهه اخیر در کشور دارای سازمان رسمی شده‌اند ولی خاستگاه ایرانی نداشته‌اند، عموماً در ایران مهجور واقع شده‌اند. وضعیت این دست از ورزش‌ها را می‌توان به انحای مختلفی چون ارجاع به مولفه‌های فرهنگی و باورها و ارزش‌های اجتماعی جامعه ایرانی یا با استناد به گفتمان برسازنده فرهنگ ورزشی کشور توضیح داد. تاریخ ورزش نشان می‌دهد به موازات توسعه و پیشرفت فرهنگ عمومی جوامع، فعالیت‌های ورزشی نیز حضوری موفق و پویا در زندگی افراد جامعه می‌یابد. ترویج ورزش و پذیرش آن به‌عنوان یکی از باورها، هنجارها و عادات مفید در بین مردم از جمله اهدافی است که باید مدیران و برنامه‌ریزان جوامع در دستورکار قرار دهند.

یکی از واقعیت‌های فرهنگی میدان ورزش در ایران، این واقعیت است که مدیران و برنامه‌ریزان ورزشی در سطوح عالی کشور بسیاری از ورزش‌های مدرنی را که در سه دهه اخیر در کشور نهادمند شده‌اند، اصلاً به‌عنوان ورزش به رسمیت نمی‌شناسند. برای مثال، ورزش بیلارد به‌عنوان ورزشی بین‌المللی که از حیث اجتماعی و ملاحظات ملی می‌تواند برای کشور ایران افتخارآفرینی داشته باشد و در مدت تقویم ورزشی یک ساله رقابت‌های آسیایی و جهانی در بخش‌های مختلف آقایان، بانوان و رده‌های مختلف سنی، ظرفیت بالقوه کسب قریب به ۵۰ مدال برای کشور را دارد، با کم‌توجهی معناداری از جانب مسئولان و مدیران ورزشی کشور روبه‌رو بوده است. ورزش‌هایی از این دست، عموماً با این توجیه که اساساً ورزش نیستند و چیزی بیش از نوعی تفریح و سرگرمی آن‌هم برای قشری خاص نیستند و حتی مغایر با ارزش‌های دینی جامعه‌اند، از فضای سیاست‌گذاری ورزشی کشور مطرود می‌شوند و به انزوا رانده می‌شوند. با توجه به توضیحات مزبور می‌توان پرسش‌های اساسی پژوهش پیش رو را به‌صورت زیر صورت‌بندی کرد:

- گفتمان یا گفتمان‌های غالب جامعه ایرانی بر فرهنگ ورزش‌های مدرن در ایران چیست؟

عرب نرمی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تلویزیون و توسعه ورزش؛ مطالعه‌ای با رویکرد نظریه گفتمان» با تحلیل مصاحبه‌ها و متون تلویزیونی به این نتیجه می‌رسد که مفاهیمی چون توسعه، ورزش، ورزشکار، بودجه و امکانات، ذیل گفتمان ورزش نخبگانی معنا می‌یابند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که گفتمان ورزش نخبگانی در رسانه، گفتمان ورزش مشارکتی را به حاشیه رانده است و آنچه باید در دستورکار برنامه پژوهشی پژوهشگران حوزه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی قرار گیرد درک شرایط و روند توسعه ورزش بر مبنای تقویت و تضعیف گفتمان‌های غالب در فضای تلویزیون به‌عنوان مهم‌ترین رسانه ملی است.

صفائیان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عاملی مؤلفه‌های الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل از خصوصی‌سازی ورزش» بر اساس روش تحلیل عاملی به شناسایی شش مؤلفه الزام اجرایی قبل از خصوصی‌سازی ورزش نائل می‌آید. این شش مؤلفه بر اساس بار عاملی به ترتیب «به‌روزکردن طرح جامع ورزش» (۰/۹۲)، «توانمندسازی بخش خصوصی» (۰/۸۸)، «نیروی انسانی توانمند» (۰/۸۷)، «نظارت و کنترل» (۰/۸۵)، «تشکیلات و ساختار» (۰/۸۱) و «خدمات» (۰/۷۹) هستند. صفائیان و همکاران با توجه به نتایج به‌دست‌آمده نتیجه می‌گیرند که مسئولین ورزش کشور قبل از واگذاری ورزش به بخش خصوصی باید به مؤلفه‌های الزام اجرایی متناسب با شرایط اجتماعی روز جامعه توجه داشته باشند تا فرایند خصوصی‌سازی بتواند با شرایط مطلوبی انجام شود.

رحمتی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «هژمونی، رسانه و ورزش: تحلیل گفتمان بازتاب رسانه‌ای مسابقات فوتبال در مطبوعات (مورد مطالعه: دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۷۰)» به بررسی گفتمان‌هایی می‌پردازند که به انحای مختلف پدیده ورزشی فوتبال را با سازوبرگ رسانه‌ها و علی‌الخصوص مطبوعات ورزشی بازنمایی می‌کنند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، گفتمان غالب در مطبوعات دهه‌های ۴۰ و ۵۰، میان «واقع‌گرایی» و «آرمان‌گرایی» در نوسان است. با انقلاب اسلامی، گفتمان آرمان‌گرایانه «هویت ملی» به «هویت دینی» تبدیل می‌شود و «مرزهای ایدئولوژیک» جایگزین «مرزهای جغرافیایی» می‌شود. در این تغییر و جابه‌جایی مفاهیمی چون امت و اسلامیت جایگزین ملت و ایرانیت می‌شود. بنابراین، در متون سه دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰، به ترتیب می‌توان از غلبه گفتمان‌های «واقع‌گرا»، «آرمان‌گرا» و «دینی» بر مطبوعات سخن گفت.

احمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی کارکرد نظام کنشی و غیرکنشی در گفتمان ورزشی» نشان می‌دهد گفتمان ورزشی نیز همانند سایر گفتمان‌ها از برهم‌کنش نظام‌های کنشی و غیرکنش متنوعی برای بازنمایی وقایع و رویدادهای ورزشی استفاده می‌کند. بر اساس نتایج تحلیل‌های این پژوهش درباره‌ی متن‌های ورزشی، چنین برمی‌آید که نظام کنشی بیش از نظام غیرکنشی در شکل‌دهی به زیربنای متن‌های ورزشی دخیل است.

ذکایی و صدیقی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «زنانگی و ورزش» با عمیق‌شدن در تجربه‌ی زنانۀ ورزش به این صورت‌بندی دست می‌یابند که پس از انتخاب ورزش و استمرار در پرداختن به آن عاملیتی مشترک و اعتماد به نفس در زنان پرورش پیدا می‌کند. زنان به‌نحوی خاص و با تلفیق ظرافت و خشونت در عین‌گزینش صفات متضاد مثل ظرافت و قدرت و همچنین سوژه‌گی بدن‌های ورزشکاری، عاملیت و خلاقیت خود را در متن تجربه‌ی ورزش دخیل می‌سازند و از این طریق معنای زنانگی را وسعت می‌بخشند و فضا را برای خلاقیت و گزینشگری سوژه زن باز می‌کنند. نقش عاملیت سوژه زن در تجربه‌ی ورزشی تا بدان حد پررنگ می‌شود که عوامل اجتماعی مؤثر در این حوزه را نیز در می‌نوردد و چارچوب‌های متعارف معنا را در هم می‌شکند.

دانایی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «الگوی مبنایی تصمیم‌گیری مدیریت ورزش ایران» با در توسل به جدیدترین پارادایم استراتژی‌پژوهی، یعنی «استراتژی به منزله عمل» به مطالعه‌ی زبان، متن و گفتمان در قلمروهای خرد، بومی و موضعی تصمیم‌گیری مدیریت ورزش ایران پرداخته‌اند. پژوهشگران در این پژوهش با رویکردی انتقادی و با استفاده از پژوهش کیفی و با اتکا بر فلسفه ساخت‌گرایی اجتماعی به پرسش از «چیستی» و «چرایی» الگوی حاکم بر تصمیم‌های مدیران ورزش ایران از درون متن مدیریت ورزش ایران پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که شرایط علی «عدم اطمینان مدیریتی، عدم اطمینان اقتصادی، عدم اطمینان ناشی از ابهام در جهت‌گیری‌ها و عدم اطمینان ناشی از سیاست‌زدگی مدیریت» در کنار شرایط مداخله‌گر «موفقیت‌های گذشته مدیران، سابقه‌ی مدیریتی آنها، میزان اضطراب‌گریزی شخصیتی‌شان، ساختار قدرت و نقش رسانه»، پدیدار «گفتمان اطمینان‌طلبی» را در بستر «نزدیک‌بینی ذینفعان و عدم استقلال‌طلبی» شکل می‌دهند. از دیدگاه پژوهشگران، عناصر مزبور، روی هم رفته «استراتژی مشروعیت‌بخشی» و پیامدهای تصمیماتی گرایش به «علم، ائتلاف، اخلاق، ترویج و انطباق» را می‌سازند.

نوابخش و جوانمرد (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه‌ی هشتاد (مورد مطالعه کرمان)» ابتدا متغیرهایی موردشناسایی قرار گرفته‌اند که

بنابر یافته‌های پژوهش‌های پیشین از یک‌سو ورزش به‌عنوان متغیری مستقل رابطه مثبت و معناداری با آنها داشته است و از سوی دیگر، خود به‌عنوان متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر میزان انسجام اجتماعی محسوب می‌شوند. این متغیرهای وابسته به کارکرد ورزش بر حسب میزان همبستگی‌ای که با انسجام اجتماعی دارند به ترتیب عبارت است از: تفاهم، عقلانیت، سرمایه اجتماعی، تولید و تقویت نظام ارزشی، کنش ارتباطی، عادت‌واره‌های مشارکتی، انگیزه پیشرفت و موفقیت، سرمایه فرهنگی، ایجاد وجوه مشترک و نشاط و شادابی.

شارکوف و سیلکین^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی ورزش و فضای تمرینات ورزشی: پیدایش اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی»، به اهمیت روزافزون ورزش روسیه در سال‌های اخیر پرداخته‌اند. از دیدگاه ایشان، میزبانی رویدادهای ورزشی بین‌المللی، به ویژه جام جهانی (FIFA) ۲۰۱۸ در رشد چشمگیر توجهات به ورزش در روسیه دخیل بوده است. نتایج پژوهش شارکوف و سیلکین نشان می‌دهد تأثیر ورزش بر روندهای اجتماعی در روسیه در حال افزایش است و جایگاه ورزش در افکار عمومی به‌عنوان یکی از حوزه‌های معتبر اشتغال و مقوله مهمی اجتماعی روزه‌روز ارتقاء می‌یابد. بنابراین، بررسی روابط فرهنگ جسمانی ورزش با سایر ابعاد کل جامعه و ساختارها و نهادهای اجتماعی خاص در سیاست‌گذاری‌های عمومی اجتناب‌ناپذیر است.

برایان کلیفت و یاکوب بوستاد^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «ورزش و سیاست»، اوایل دهه ۱۹۸۰ را به‌عنوان نقطه عطفی در اهمیت‌یابی تاریخی مطالعات ورزش و سیاست به‌عنوان حوزه‌ای مهم در تحقیقات دانشگاهی معرفی می‌کنند. به نظر ایشان، به‌رغم این اهمیت فزاینده، ورزش اغلب پدیده‌ای غیرسیاسی تلقی می‌شود و در برخی موارد با دلایل کاملاً سیاسی، غیرسیاسی معرفی می‌شود. به دلیل این بی‌اعتنایی به ورزش در مطالعات سیاسی-اجتماعی جدی، ورزش و سیاست اغلب در ارتباط و قرین با یکدیگر مورد توجه قرار نمی‌گیرند. چالش‌های جدی در تعریف دو مفهوم مزبور (ورزش و سیاست) نیز رکود مطالعات این حوزه را تشدید کرده است. پژوهش‌های اولیه در زمینه روابط ورزش و سیاست بیشتر بر جنبه دولتی‌تر سیاست، بررسی روابط بین‌المللی، سیاست دیپلماسی یا ایدئولوژی سیاسی در کشورهای خاص، شهرها یا مناطق متمرکز بود. این رویکرد از اوایل دهه ۱۹۸۰ حتی رونق بیشتری یافته است. مراکز پژوهشی با درک گسترده‌تر از مفهوم قدرت، مرزهای قلمرو روابط ورزش

1 F.I. Sharkov; V. V. Silkin

2 Clift, Bryan; Bustad, Jacob J.

و سیاست را بسط داده‌اند. سازمان‌های ورزشی، تیم‌ها، فدراسیون‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، رویدادهای بزرگ ورزشی، ورزشکاران و افراد مشهور و همچنین تمرینات ورزشی و فعالیت‌های بدنی با طیف گسترده‌ای از پژوهش‌های سیاسی گره خورده‌اند؛ حوزه‌های سیاسی‌ای از قبیل: حل تعارض، معلولیت، مسائل زیست‌محیطی، قومیت، بهداشت عمومی، حقوق بشر، قمار، جنسیت، صلح، لذت، نژاد، امنیت، جنسیت، عدالت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، شهرنشینی یا خشونت. بنابراین، بسط دامنه مفهوم سیاست در جامعه، پای مناقشات سیاسی را به حوزه‌هایی چون ورزش نیز کشیده است و ضرورت بررسی روابط سیاست و ورزش را بیش از پیش افزون ساخته است.

لاتینگ و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «گفتگوی شخصی ورزشی: مروری تفسیری» تاثیر گفتگوهای شخصی را بر عملکرد و تنظیم خود در میدان ورزش موردکنندوکاو قرار داده‌اند. در چند دهه گذشته، تحقیقات مربوط به گفتگوی «خود» و «ورزش» دائماً در حال رشد بوده است. اصطلاح گفتگوی «خود» به فرایندهای شناختی مختلفی اشاره دارد که محدود کردن مفهومی گفتگوی خود را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد. لاتینگ و همکاران در پژوهش خویش سعی کرده‌اند آشفتگی‌های مفهومی مربوط به مفهوم «خود» و تاثیر و تاثرات آن با درگیری در گفتگوی ورزشی مرتفع سازند. دو محور یافته‌های این پژوهش در واقع تفصیل این دو واقعیت است که (۱) خودمداری بر ورزش نقش دارد؛ و (۲) انواع مختلف گفتگوی «خود» در ورزش وجود دارد.

تحقیقات انجام‌شده در حوزه ورزش نشان داد ورزش به‌عنوان پدیده‌ای که می‌تواند محیط اجتماعی خود فرد را رشد دهد و با مقوله‌ها و پدیده‌های دیگر اجتماع چون سیاست، عاملیت، دین، زنانگی، کنش‌های جمعی و تفاهم، عقلانیت، سرمایه اجتماعی، تولید و تقویت نظام ارزشی، کنش ارتباطی، عادت واره‌های مشارکتی، انگیزه پیشرفت و موفقیت، سرمایه فرهنگی، ایجاد وجوه مشترک و نشاط و شادابی ارتباط دارد. همه موارد ذکر شده گویای این امر اند که ورزش می‌تواند به‌عنوان عاملی در جهت تغییرات مثبت در جامعه مورد استفاده قرار گیرد؛ به عبارتی آن را پدیده عامل و اثرگذار بر تحولات جامعه در نظر گرفت. با توجه به اهمیتی که ورزش برای کشور دارد آنچه ملاحظه و بررسی آن کاملاً احساس می‌شود عدم شناخت دقیق بر گفتمان ورزشی کشور است چراکه گفتمانی که بر فرهنگ جامعه ورزش وجود دارد می‌تواند در توسعه، رشد، و تحولات ورزش اثر بگذارد با توجه به خلأ دانشی موجود این پژوهش انجام شد

1 Latinjak, Alexander Tibor; Ramis, Yago; Hatzigeorgiadis, Antonis; Torregrossa, Miquel

چارچوب نظری

مفهوم پردازی ها در تحلیل انواع جوامع یا موقعیت های اجتماعی کاربرد متفاوت دارد اگر عمومیت وبدون بافت بودن نظریه های بنیادی و ابزارهای مفهومی رmqایسه کنیم می بینیم این ویژگی در نظریه های بنیادی بیشتر مساله می سازد. مراد نظریه هایی است که مثلا به شیوه ی پوزیتیویستی می کوشند بین متغیرهایی مانند نوآوری، ارتباط و ادبیات یا بین نیاز به پیش رفت و رشد اقتصادی روابط وقواعد عام برقرار کنند. ممکن است ابزارهای مفهومی به انجام مطالعات تطبیقی، بافت محور وتاریخی محور منجر شود؛ مطالعاتی که می توانند شیوه ی ساخت، بازتولید وتغییرکل های اجتماعی را روشن کنند. اما در نظریه بنیادی بی اهمیت یا به اشتباه می انجامد؛ اشتباه به این معنی که ارتباط بین متغیر ها فقط در موقعیت خاصی معتبر است، اما چون نظریه عام است نمی توان چنین موقعیت هایی مشخص کنیم (موزلیس، ۱۳۹۴: ۲۱).

لذا در تعیین چارچوبی ومفهوم پردازی در این پژوهش سعی شد ابتدا مفاهیم از میدان پژوهش جمع آوری وبعد در قالب هایی متناسب با نظریات جامعه شناسان خرد وکلان معرفی شوند به عبارتی می توان گفت رویکرد این پژوهش انتقادی است. در بررسی انتقادی گفتمان، به جای توجه صرف به رشته ای از نظریه ها و الگوهای پیشینی، توجه به مسائلی است که از حیث اجتماعی مهم ارزیابی می شوند. این رویکرد بیشتر موضوع محور است تا نظریه محور. هدف بررسی انتقادی گفتمان ها فراتر از صرف توصیف است. در این رویکرد، تبیین گامی به سوی تغییر است. گفتمان کاوی انتقادی، رسالت اخلاقی و سیاسی پژوهندگان متعهد نیز برای تغییر محسوب می شود (ون دایک، ۱۳۸۷: ۵۴).

اولین اندیشمندی که در تحلیل مفاهیم و زمینه جامعه ورزش از او وام گرفتیم بوردیو است. بوردیو به دنبال تقریب دوشقه هائی نظیر ذهنیت گرایی-عینیت گرایی، ساخت گرایی-فرهنگ گرایی وتحلیل خرد وکلان به منظور رفع ستیزه های نظری در عرصه جامعه شناسی بود(محمدی اصل، ۱۳۹۴: ۲۴۸) بوردیو زمینه را چنین توصیف می کند شبکه ای از روابط است که میان جایگاه های عینی در درون زمینه وجود دارد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۶۸۲) این روابط جدا از آگاهی واراده افراد وجود دارند. این روابط، کنش های متقابل یا پیوند های بین الاذهانی میان افراد نیستند. اشغال کنندگان جایگاه های این شبکه، هم می توانند عوامل انسانی باشند وهم نهادهای اجتماعی. بوردیو زمینه را اصولا پهنه نبرد در نظر می گیرد. زمینه نوعی بازار رقابتی است که در آن، انواع سرمایه ها (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی

ونمادین) به کار می‌رود و مایه گذاشته می‌شود. در زمینه قدرت (سیاست) از همه مهمتر است، سلسله مراتب روابط قدرت و زمینه سیاسی، ساختار همه زمینه‌های دیگر را تعیین می‌کنند.

جایگاه‌های عوامل گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت سرمایه‌ای که عوامل دارند، تعیین می‌کند چها سرمایه را نام می‌برد سرمایه اقتصادی^۱ که از بینه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد سرمایه فرهنگی^۲ انواع گوناگون دانش مشروع را در بر می‌گیرد؛ سرمایه اجتماعی^۳ در برگیرنده روابط اجتماعی ارزشمند میان آدمها است؛ و سرمایه نمادین^۴ از شان و حیثیت شخص سرچشمه می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۶۸۳) افراد همواره به لحاظ ساختی در فضای اجتماعی چند بعدی مکان می‌یابند که این فضا عمدتاً برحسب مواضع طبقاتی تعریف شده‌اند. از نظر بوردیو رابطه فرد با مواضع ساختی وجه متعین ندارد و به علاوه فرد، کارگزاری خود بسنده یا محاسبه‌گری مستقل یا کنشگری قاعده‌مدار نبوده؛ بلکه کنش اضافه بر خصلت خلاق، می‌تواند به نحو استراتژیک یا شهودی هم جریان یابد. این بدان جهت است که ما هنگام کنشگری دست به تفسیر چگونگی عملکرد جهان جهان، ارزیابی امور و تهیه راهنمایی برای کنش می‌زنیم و از این تفسیر برای هدایت کردارها سود می‌جویم (محمدمی اصل، ۱۳۹۴: ۲۴۸)

بوردیو بیشتر به رابطه ساختمان ذهنی و زمینه توجه دارد. به نظر او، این رابطه به دو صورت عمده عمل می‌کند. از یک سوی، زمینه ساختمان ذهنی را مشروط می‌سازد، از سوی دیگر، ساختمان ذهنی زمینه را به عنوان چیز معنی‌داری که منطق و ارزش دارد و به سرمایه‌گذاری انرژی می‌ازر، می‌سازد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۶۸۴) به عبارتی همه آنچه که در این پژوهش اساس کار محقق است و به دنبال یافتن مشخص ساختن این بازخورد قدرت کدام منبع در فرهنگ ورزش‌های مدرن تسلط دارد و به آن جهت دهد، پدیده ورزش که پدیده‌ای با بدن معنا پیدا می‌کند و در بستر زمینه اجتماعی و فرهنگی احاطه‌کننده کنشگر شکل می‌گیرد عاملی است نشانه‌ای که از خلال آن رابطه انسان با جهان بیرون به واقعیت بدل می‌شود و می‌توان گفت هستی انسان پیش از هر چیزی یک هستی بدنی است (لوپروتن، ۱۳۹۲: ۱۴) پدیده‌ای تا این حد به فرد و خود شخص نزدیک چگونه تحول می‌یابد.

بوردیو بحث میدان را مطرح می‌کند. میدان در تفکر بوردیو جنبه‌ای بیرونی دارد و به ساختار اجتماعی عینی مربوط می‌شود. میدان شبکه‌ای از روابط است که جایگاهی عینی درون فضای اجتماعی

-
- 1 Economic capital
 - 2 Cultural capital
 - 3 Social capital
 - 4 Symbolic capital

دارد. در جهان اجتماعی تعدادی میدان نیمه‌مستقل هم مثل میدان هنری و مذهبی وجود دارد که کمتر از سایر میدان‌ها متأثرند. میدان (به تاسی از مفهوم میدان در فیزیک) چونان قدرتی است که تصمیم‌های مشخص خود را بر همه‌کسانی که بدان وارد می‌شوند تحمیل می‌کند. هر میدان دارای امکانات و قابلیت‌هایی است که در طول مراحل رشد خود به دست می‌آورد تا خود را در برابر تأثیرات خارجی مصون نگه دارد. هر میدان در مواجهه با میدان‌های مجاور و متجاوز، بر ضوابط و ملاک‌های ارزیابی خود صحنه می‌گذارد و آن‌ها را رعایت و تقویت می‌کند. میدان همچنین کنشگر را در جهت الگوی رفتاری خاصی متمایل می‌سازد (استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۶). معتقد است ذایقه و سلیقه افراد در میدان‌ها شکل می‌گیرند و با مفاهیم ذهنی‌اش پیوند خورده است. از نظر بوردیو ذایقه و سلیقه ای است که ساختمان ذهنی به وسیله آن قرابت خود را با ساختمان ذهنی دیگران تصدیق می‌کند. از جهت دیالکتیکی، البته این ساختار طبقه است که شکل ساختمان ذهنی را تعیین می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۶۸۶). در کشاکش نظری میان تعیین ساختارهای کلان و سطح خرد از اندیشه‌های اندیشمند دیگری بهره گرفته شد جهت پربار شدن تحلیل و جستجو مفاهیم گفتمان. لیکن اگر بخواهیم به دیدیکی محقق در بحث کاوش به موضوع گفتمان غالب بر فرهنگ ورزش اشاره کنیم تحلیلی و تبیین دیالکتیک بین سطح خرد و کلان است. در مبحث نظری اندیشمند دیگری که میتوان گفت جامع‌ترین کوشش‌ها را در باب تلفیق عاملیت و ساختار انجام داده است آنتونی گیدنز است. گیدنز معتقد است در تحلیل میان ساختار و عاملیت باید به گونه بازگشتی^۱ در نظر آورد بدین معنا که فعالیت‌های انسانی را کنشگران اجتماعی به وجود نمی‌آورند، بلکه این فعالیت‌ها از طریق همان راههایی که انسان‌ها خودشان را به عنوان کنشگران مطرح می‌سازند، پیوسته باز ایجاد می‌شوند. عوامل انسانی از طریق فعالیت‌هایشان شرایطی را به وجود می‌آورند که این فعالیت‌ها امکان‌پذیر می‌سازد. آن‌چه تاکید محقق در این تحقیق است مفهوم عاملیت گیدنز است. مفهوم عاملیت همان چیزی است که عوامل در عمل انجام می‌دهند و می‌توان گفت عاملیت با رویدادهایی سروکار دارد که یک فرد عامل آن‌هاست. هر چیزی که اتفاق می‌افتد، می‌توانست اتفاق نیفتد اگر فردی در وقوع آن دخالت نمی‌کرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۶۶۲). گیدنز با تاکید بر عاملیت، به عوامل انسانی قدرت بزرگی بخشید. به عبارتی آنها می‌توانند بر جهان اجتماعی‌شان تاثیر گذارند. در بحث تاثیرگذار بودن فرد آن‌چه اهمیت دارد قدرت است یعنی فرد دارای قدرت و توانایی اعمال قدرت باشد ضمن بیان این مفهوم توسط گیدنز که عاملیت بدون قدرت نمی‌تواند

موجودیتی داشته باشد. از اندیشه سمین در باب بی‌قدرتی و بی‌معنایی کمک گرفته شد. سیمین کوشیده است تا با بازکای مفهوم بیگانگی از منظر روانشناسی اجتماعی، اشکال یا ابعاد مختلف این مفهوم را شناسایی کند. بی‌قدرتی، فرد توانایی کنترل نتایج فعالیت یا نیروهای جدید را ندارد. در جامعه صنعتی فرد خود را ناتوان می‌بیند و در می‌یابد که در سرنوشت خویش نقشی ندارد و نیز در نظام اجتماعی فاقد کار است. بی‌قدرتی عبارت است از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قابل بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقیق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که براساس آن کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست. بی‌معنایی: هنگامی که فرد نتواند نحوه کارکرد سازمان اجتماعی مسلط بر خود را درک کند و در نتیجه موفق به پیش‌بینی عاقبت اعمال خود نباشد و معنا و مفهوم آن را در نیابد دچار احساس بیهودگی و پوچی می‌شود. (شیخاوندی، ۱۳۷۳: ۱۲۱-۱۲۲). اما در بحث جستجو ساختار و عاملیت یک واقعیت دوجهی آنچه گیدنز آن را مد نظر قرار می‌دهد زمان و مکان به عنوان متغیرهای تأثیر گذارند. گیدنز به بحث نقش و تأثیر مدرنیته توجه داشت. مدرنیته از نظر گیدنز، به فرآیندی منجر می‌شود که آن را «دوری‌گزینی» می‌نامند؛ بدین معنا که روابط اجتماعی دیگر به محل‌های خاص وابسته نیست. روابط باکسانی که حضور فیزیکی ندارند، بیش‌ازپیش به صورت ویژگی جهان مدرن درمی‌آید. مدرنیته همچنین شامل فرآیند وابسته‌ای معروف به «نهفتگی زدایی» است. این فرآیند متضمن خارج ساختن روابط اجتماعی از زمینه‌های محلی کنش متقابل و نوسازی آن‌ها در پهنه‌های نامحدود زمانی- مکانی است (کیویستو، ۱۳۷۸: ۲۰۲). در بررسی میان نقش عاملیت و ساختار و توجه گیدنز به مدرنیته بحث توجه خود را به مسئله جهانی شدن معطوف می‌کند و می‌گوید در عصر نوگرایی خود و جامعه در یک سطح جهانی ارتباط یافته اند به عقیده گیدنز جهان نوین بدن انسان را سازمان بازاندیشانه زندگی اجتماعی تبدیل کرده است. (ریتزر، ۱۳۷۴، ۷۲۹).

گیدنز معتقد است جهان نو و مسئله حرکت جوامع در جهت جهانی شدن چه در سطح جمعی و چه در سطح زندگی روزمره مسائل اخلاقی دوباره به مرکز صحنه انتقال می‌یابند. بر رابطه ناب در عصر جدید تأکید می‌کند. آنچه در مسیر برون رفت از ساختارهای نوین جامعه به افراد کمک کننده خواهد بود کنش ارتباطی است. و در جهان حیاتی زمینه فراگردهای به تفاهم رسیدن را از طریق کنش ارتباطی فراهم می‌سازد (ریتزر ۱۳۷۴: ۶۹۴) کنشی که نه از طریق حسابگری‌های خودخواهانه موفقیت بلکه از طریق کنش‌های تفاهم‌آمیز هماهنگ می‌شود (نریمانی، ۱۳۸۶: ۱۶). در مسیر شکل‌گیری کنش‌های ارتباطی افراد و گستره کنش‌های جهانی آنچه در سطح خرد در محیط ورزشی اهمیت دارد و نباید از نظر دور داشت بحث هژمونی فکری و اخلاقی است هژمونی از نظر گرامشی واژه سلطه نقطه مقابل واژه هژمونی است. او در برخی متون، هژمونی را همان «رهنموددهندگی» نامیده است. گرامشی

می‌نویسد: برتری یک گروه اجتماعی دو شکل به خود می‌گیرد: «سلطه» و «هژمونی فکری و اخلاقی». استیلای فکری و فرهنگی و هژمونیک از طریق روشنفکران صورت می‌گیرد (اعتماد، ۱۳۸۳: ۶۳). همچنین اندیشمند دیگر گافمن به این قضیه پرداخت که جامعه چگونه انسانها را به ارائه تصویری معین از خودشان وا می‌دارد و نظریه تحلیل نمایشی خود را مطرح کرد (محمدی اصل، ۱۳۹۴: ۱۴۹). گافمن که خود در همان عرصه سنت کنش متقابل نمادین کار می‌کرد، استعاره درخشانی را در تئاتر پیدا کرد تا به وسیله آن پرتو نوینی را بر فراگردهای اجتماعی پهن‌دامنه بیافکند. گافمن در تحلیل نمایشی به نمای شخص اشاره می‌نماید. وی نمای شخص را به قیافه و منش تقسیم می‌کند. قیافه شامل چیزهایی می‌شود که منزلت اجتماعی نمایشگر را به حضار نشان می‌دهد (برای مثال، لباس ورزشکار). منش، به حضار یادآور می‌شود چه نوع نقشی را باید از یک نمایشگر در موقعیتی معین انتظار داشت (برای مثال، سبک و طرز رفتار ورزشکار) (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۴۰). به نظر گافمن در واقع انسان‌ها برای حفظ تصویر ثابتی از خود برای مخاطبان نقش اجرا می‌کنند. به عبارتی خود اثری نمایشی است که از صحنه نمایش بر می‌خیزد و لذا در برابر وقفه و قطع در زمان اجرای نمایش آسیب می‌پذیرد به علاوه افراد در هنگام تعامل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران است؛ اما حتی حین انجام این عمل می‌دانند حضارشان ممکن است در اجرای نقش آنها اختلال کنند و لذا کنشگران نیاز به نظارت بر حضار را حس می‌کنند و مراقب عناصر منحل‌اند (محمدی اصل، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

فرضیه اصلی پژوهش

گفتمانی غالب جامعه ایرانی بر فرهنگ ورزش‌های مدرن در ایران وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش را از حیث هدف می‌توان ذیل پژوهش‌های کاربردی طبقه‌بندی کرد؛ از حیث روش گردآوری داده‌ها پژوهشی توصیفی است؛ و به لحاظ ماهیت داده‌ها پژوهشی کیفی است. جامعه آماری این پژوهش تمام شماری شده و عبارت است از ۳۰ نفر روسای و نائب رؤسای ورزش‌های مدرن که در ۳۰ سال اخیر در ورزش‌های مدرن ایران (اسکیت، بیلارد، بولینگ، بوکس و انجمن‌های ورزشی کبده، اسکواش، تیروکمان، گلف، ووشو، ورزش‌های سه‌گانه، کوهنوردی، پرورش اندام و چوگان) سازمان یافته‌اند. روش نمونه‌گیری متناسب بار روز کیفی نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و روش

تحلیل داده‌ها تحلیل AHP استفاده شد هدف در این پژوهش رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر گفتمان غالب جامعه ایرانی بر فرهنگ ورزش‌های مدرن است برای دستیابی به این هدف از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده می‌شود. توسط روش AHP وزن دهی و تعیین اهمیت شد. کلیه محاسبات نیز در نرم‌افزار ExpertChoice انجام شده است.

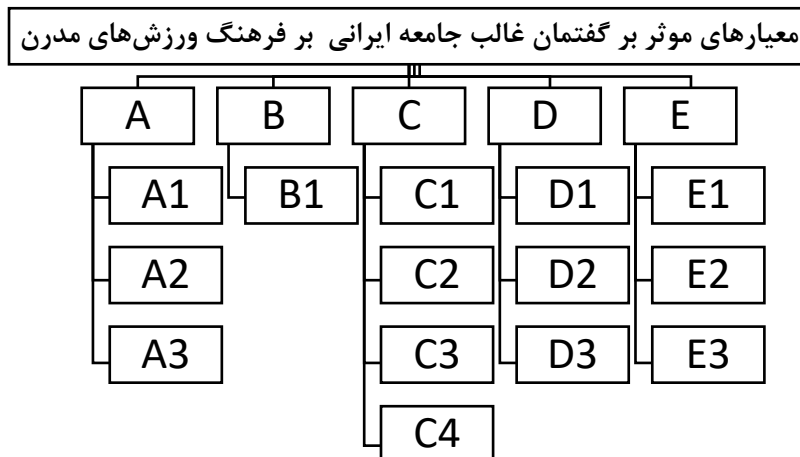
نتایج و یافته‌ها

در این بخش ابتدا براساس مرور ادبیات و پیشینه پژوهش معیارهای عیارهای مؤثر بر گفتمان غالب جامعه ایرانی بر فرهنگ ورزش‌های مدرن استخراج شدند که شامل ۱۴ شاخص در ۵ بعد است که در جدول ۴-۵ آورده شده است.

جدول ۱-۱- معیارها و زیرمعیارهای پژوهش

کد زیرمعیار	زیر معیار	کد معیار	معیار
A۱	ساخت یابی	A	سیاسی
A۲	بی‌معنایی		
A۳	بی‌قدرتی		
B۱	سرمایه اقتصادی	B	اقتصادی
C۱	عاملیت	C	اجتماعی
C۲	جهانی‌شدن		
C۳	کنش ارتباطی		
C۴	سبک زندگی		
D۱	سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده	D	فرهنگی
D۲	سرمایه فرهنگی تنیده شده		
D۳	رهنمود دهندگی فرهنگی		
E۱	جنسیت	E	جسمی و شخصیتی
E۲	نمای شخصی		

کد زیرمعیار	زیر معیار	کد معیار	معیار
E ^۳	هویت فردی		



شکل ۱-۱: مدل سلسله مراتبی پژوهش

- نتایج روش AHP

در مراحل قبل عوامل پژوهش معرفی شدند در این گام نیز جهت تعیین اهمیت و وزن آن‌ها از روش تحلیل سلسله مراتبی AHP استفاده می‌شود. ابتدا براساس جدول ۴-۶ مقایسات زوجی معیارها و زیرمعیارهای ایجاد شد و در اختیار خبرگان قرار گرفت تعداد خبرگان در این قسمت نیز ۳۰ نفر است. بعد از تکمیل ماتریس‌های مقایسات زوجی، نرخ ناسازگاری هر کدام محاسبه شد که همگی کمتر از ۰/۱ بود که نشان از ثبات و سازگار بودن ماتریس‌ها هست. سپس مقایسات زوجی خبرگان، توسط روش میانگین هندسی ادغام شدند و سپس جهت تعیین وزن، وارد نرم‌افزار ExpertChoice شد. در ادامه نتایج مقایسات زوجی و اوزان آورده شده است.

- مقایسه زوجی معیارهای اصلی

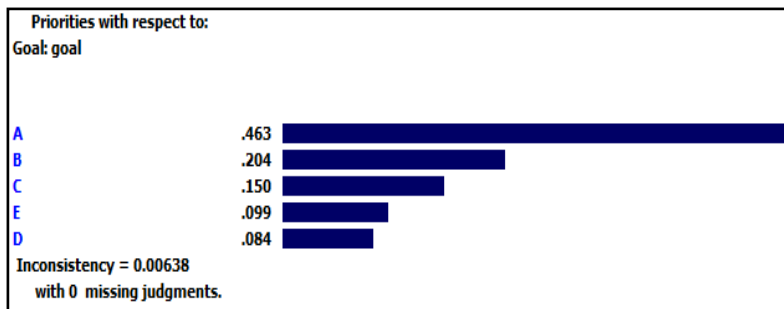
در این بخش مقایسات زوجی ۷ معیار اصلی در جدول ۱-۲ آورده شده است نرخ ناسازگاری این مقایسه زوجی برابر با ۰/۰۰۶ است و چون کمتر از ۰/۱ است نشان از سازگاری قابل قبول است.

جدول ۱-۲: مقایسات زوجی معیارهای اصلی

	A	B	C	D	E
A		۲.۲۲۱	۳.۲۵۲	۴.۶۵۲	۵.۴۱۲
B			۱.۲۱۲	۲.۳۲۵	۲.۳۶۴

C	۱.۷۸۲	۱.۴۴۲
D		۰.۶۷۷
E		

مقایسات زوجی جدول ۴-۷، را در نرم‌افزار Expert choice وارد می‌کنیم که اوزان معیارها محاسبه می‌شود و در شکل ۱-۲ آورده شده است.



شکل ۱-۲: اوزان معیارهای اصلی

جدول ۱-۳: وزن و رتبه معیارهای اصلی

رتبه	وزن	کد	نام معیار
۱	۰.۴۶۳	A	سیاسی
۲	۰.۲۰۴	B	اقتصادی
۳	۰.۱۵۰	C	اجتماعی
۴	۰.۰۹۹	E	جسمی و شخصیتی
۵	۰.۰۸۴	D	فرهنگی

با توجه به شکل ۱-۲، معیار سیاسی با وزن $0/463$ رتبه اول را کسب کرده است. معیار اقتصادی با وزن $0/204$ رتبه دوم، معیار اجتماعی با وزن $0/150$ رتبه سوم، معیار جسمی و شخصیتی با وزن $0/099$ رتبه چهارم و فرهنگی با وزن $0/084$ رتبه پنجم را کسب کرده است.

- مقایسه زوجی زیرمعیارهای سیاسی

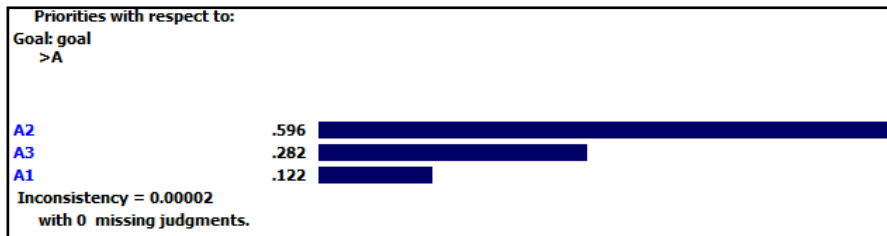
معیار سیاسی دارای ۳ زیر معیار است که مقایسه زوجی آن‌ها در جدول ۴-۹ آورده شده است. نرخ ناسازگاری این مقایسه زوجی برابر با $0/00002$ است.

جدول ۴-۱: مقایسات زوجی زیرمعیارهای سیاسی

	A ₁	A ₂	A ₃
A ₁		۰.۲۰۵	۰.۴۲۹
A ₂			۲.۱۲۳
A ₃			

مقایسات زوجی جدول ۴-۱، را در نرم‌افزار Expert choice وارد می‌کنیم که اوزان معیارها

محاسبه می‌شود و در شکل ۳-۱



شکل ۳-۱: اوزان زیرمعیارهای سیاسی

جدول ۵-۱: وزن و رتبه زیرمعیارهای سیاسی

رتبه	وزن	کد	نام معیار
۱	۰.۵۹۶	A ₂	بی‌معنایی
۲	۰.۲۸۲	A ₃	بی‌قدرتی
۳	۰.۱۲۲	A ₁	ساخت‌یابی

با توجه به شکل ۳-۱، در بین زیرمعیارهای سیاسی، بی‌معنایی با وزن ۰/۵۹۶ رتبه اول را کسب کرده است.

بی‌قدرتی با وزن ۰/۲۸۲ رتبه دوم و ساخت‌یابی با وزن ۰/۱۲۲ رتبه سوم را کسب کرده‌اند.

مقایسه زوجی زیرمعیارهای اجتماعی

معیار اجتماعی دارای ۴ زیر معیار است که مقایسه زوجی آن‌ها در جدول ۶-۱ آورده شده است. نرخ ناسازگاری این مقایسه زوجی برابر با ۰/۰۴ است.

جدول ۶-۱: مقایسات زوجی زیرمعیارهای اجتماعی

	C _۱	C _۲	C _۳	C _۴
C _۱		۰.۵۳۱	۰.۳۲	۲.۴۱۵
C _۲			۰.۴۹۷	۴.۹۸۵
C _۳				۳.۶۵۴
C _۴				

مقایسات زوجی جدول ۶-۱، را در نرم‌افزار Expert choice وارد می‌کنیم که اوزان معیارها محاسبه می‌شود و در شکل ۴-۱ آورده شده است.



شکل ۴-۱: اوزان زیرمعیارهای اجتماعی

جدول ۷-۱: وزن و رتبه زیرمعیارهای اجتماعی

رتبه	وزن	کد	نام معیار
۱	۰.۴۵۵	C _۳	کنش ارتباطی
۲	۰.۳۰۲	C _۲	جهانی‌شدن
۳	۰.۱۶۲	C _۱	عاملیت
۴	۰.۰۸۱	C _۴	سبک زندگی

با توجه به شکل ۱-۴، در بین زیرمعیارهای اجتماعی، کنش ارتباطی با وزن ۰/۴۵۵ رتبه اول را کسب کرده است. جهانی شدن با وزن ۰/۳۰۲ رتبه دوم و عاملیت با وزن ۰/۱۶۲ رتبه سوم را کسب کرده‌اند.

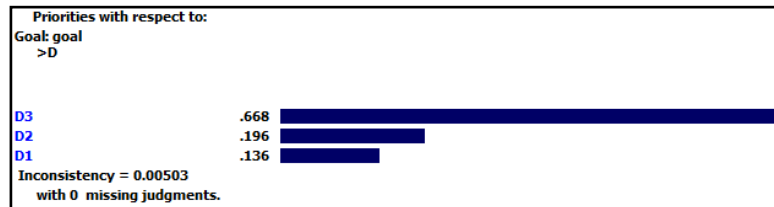
مقایسه زوجی زیرمعیارهای فرهنگی

معیار فرهنگی دارای ۵ زیر معیار است که مقایسه زوجی آنها در جدول ۸-۱ آورده شده است. نرخ ناسازگاری این مقایسه زوجی برابر با ۰/۰۰۵ است.

جدول ۸-۱: مقایسات زوجی زیرمعیارهای فرهنگی

	D _۱	D _۲	D _۳
D _۱		۰.۶۴۳	۰.۲۱۸
D _۲			۰.۲۷۳
D _۳			

مقایسات زوجی جدول ۸-۱، را در نرم‌افزار Expert choice وارد می‌کنیم که اوزان معیارها محاسبه می‌شود و در شکل ۱-۵ آورده شده است.



شکل ۱-۵: اوزان زیرمعیارهای فرهنگی

جدول ۹-۱: وزن و رتبه زیرمعیارهای فرهنگی

رتبه	وزن	کد	نام معیار
۱	۰.۶۶۸	D _۳	رهنمود دهندگی فرهنگی
۲	۰.۱۹۶	D _۲	سرمایه فرهنگی تنیده شده
۳	۰.۱۳۶	D _۱	سرمایه فرهنگی نهادینه شده

با توجه به شکل ۱-۹، در بین زیرمعیارهای فرهنگی، رهنمود دهندگی فرهنگی با وزن ۰/۶۶۸ رتبه اول را کسب کرده است. سرمایه فرهنگی تنیده شده با وزن ۰/۱۹۶ رتبه دوم و سرمایه فرهنگی نهادینه شده با وزن ۰/۱۳۶ رتبه سوم را کسب کرده‌اند.

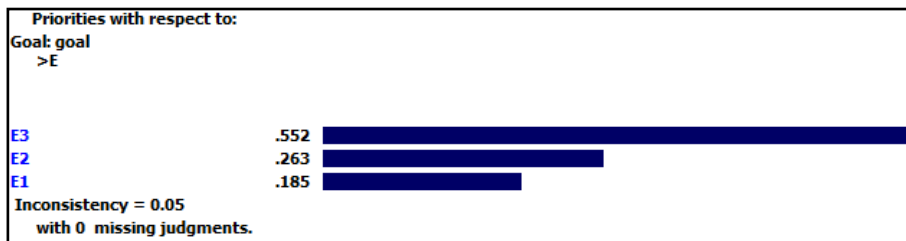
مقایسه زوجی زیرمعیارهای جسمی و شخصیتی

معیار جسمی و شخصیتی دارای ۳ زیر معیار است که مقایسه زوجی آن‌ها در جدول ۱-۱۰ آورده شده است. نرخ ناسازگاری این مقایسه زوجی برابر با ۰/۰۵ است.

جدول ۱-۱۰: مقایسات زوجی زیرمعیارهای جسمی و شخصیتی

	E _۱	E _۲	E _۳
E _۱		۰.۸۹۰	۰.۲۶۴
E _۲			۰.۶۰۵
E _۳			

مقایسات زوجی جدول ۱-۱۰، را در نرم‌افزار Expert choice وارد می‌کنیم که اوزان معیارها محاسبه می‌شود و در شکل ۱-۶ آورده شده است.



شکل ۱-۶: اوزان زیرمعیارهای جسمی و شخصیتی

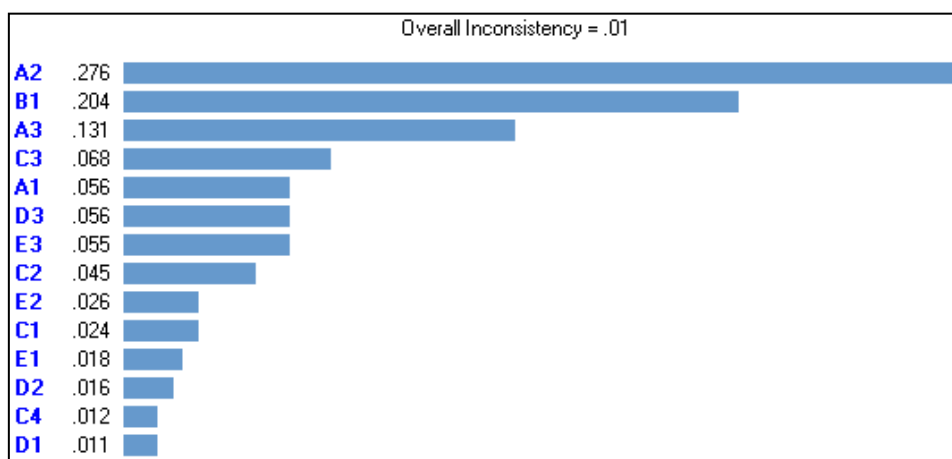
جدول ۱-۱۱: وزن و رتبه زیرمعیارهای جسمی و شخصیتی

رتبه	وزن	کد	نام معیار
۱	۰.۵۵۲	E _۳	هویت فردی
۲	۰.۲۶۳	E _۲	نمای شخصی
۳	۰.۱۸۵	E _۱	جنسیت

با توجه به شکل ۱-۶، در بین زیرمعیارهای جسمی و شخصیتی، هویت فردی با وزن ۰/۵۵۲ رتبه اول را کسب کرده است. نمای شخصی با وزن ۰/۲۶۳ رتبه دوم و جنسیت با وزن ۰/۱۸۵ رتبه سوم را کسب کرده‌اند.

وزن نهایی زیرمعیارهای

وزن نهایی زیرمعیارهای از ضرب وزن هر بعد در وزن معیار و سپس ضرب در وزن نسبی زیر معیارها حاصل می‌شود که توسط نرم‌افزار ExpertChoice انجام می‌شود و در شکل ۱-۷ آورده شده است. بر این اساس در بین ۱۴ زیر معیار، بی‌معنایی (A۲) رتبه اول را کسب کرده است. بعدازآن، سرمایه اقتصادی (B۱) رتبه دوم و بی‌قدرتی (A۳) رتبه سوم را کسب کرده‌اند.



شکل ۱-۷: وزن و رتبه نهایی زیرمعیارهای

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در حوزه ورزش پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد چگونه کارکردهای اصلی پدیده‌ای اجتماعی مثل ورزش تغییر می‌کند. این پژوهش جابه‌جایی و تغییر اولویت از گفتمان سلامتی به گفتمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و در انتها جسمی-شخصیتی را نشان می‌دهد. کارکردها ذیل گفتمان‌های جدید مزبور در جامعه ورزشی ما پررنگ‌تر شده است. نقش تأثیرگذار سیاست در ورزش در مقاله ملکوتیان (۱۳۸۸) بیان شده است اما آنچه در این تحقیق به نحو متمایز بدان پرداخته شده است، نقش سیاست بر فرهنگ ورزش‌های مدرن است که

توانسته رویه‌ها و کارکردهای ورزشی را دگرگون سازد. حضور مدیران سیاسی، عدم‌شناخت دقیق مدیران از برنامه‌های ورزشی متناسب با توسعه ورزش‌ها و تمایل نابه‌جای مدیران به ماندن در سمت‌های مدیریتی ورزش می‌تواند بحران‌های مبین جابه‌جایی و گذار از گفتمان ورزشی به گفتمان سیاسی در ورزش‌های مدرن سازمان‌یافته در سه دهه اخیر را توضیح دهد.

تأثیر معیار اقتصادی جامعه ایران بر فرهنگ ورزش‌های مدرن نیز در درجه بعدی اهمیت قرار گرفته است. نتیجه این بررسی با یافته‌های خداداد کاشی (۱۳۹۵) که به بررسی نقش اقتصاد در ورزش‌های المپیکی از سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۲ پرداخته است، همسو است. آنچه در این پژوهش آن بخش از بعد اقتصادی مدنظر قرارداد، بحث پاداش‌ها و دستاوردهای مالی از این مسابقات است. نداشتن عواید مالی آن‌چنان از این ورزش‌ها موجب شده است این ورزش‌ها به حاشیه رانده شوند و جمعیت کمتری تمایل به مشارکت در این ورزش‌ها را داشته باشند. از سوی دیگر چون تقاضای کمی برای این ورزش‌ها وجود دارد حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌های کمتری نسبت به دیگر ورزش‌ها از این رشته‌ها می‌شود.

معیاراجتماعی جامعه ایران نیز بر فرهنگ ورزش‌های مدرن در ایران اثر گذاشته است. عموماً ابعادی از گفتمان اجتماعی مدنظر قرار گرفته است که واجد دلالت‌های فرهنگی هستند و ابعاد فرهنگی را نیز پوشش می‌دهند. برای مثال، مباحث مربوط به عاملیت یا کنشگری فرد در محیط ورزشی یا مباحث جهانی شدن که به انتقال فرهنگ ورزشی می‌پردازد و نیز مبحث کنش ارتباطی که توانایی و ظرفیت ارتباط و تعامل انسان‌ها با یکدیگر از طریق زبان و تعامل همدلانه و کنش ارتباطی را مطرح می‌کند، همه به نحوی در میدان ورزش‌های مدرن نیز مطرح هستند و مجاری طرح مسایل اجتماعی‌اند. آنچه در این پژوهش اهمیت دارد این واقعیت است که نظر به میزان تأثیرگذاری میدان و گفتمان سیاسی بر فرهنگ ورزش‌های مدرن، می‌توان سیاست را اصلی‌ترین میدان تأثیرگذار در بعد اجتماعی دانست چراکه سیاست در فرهنگ ورزش‌های مدرن به‌راحتی کنشگری ورزشکاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ نکته‌ای که کری (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی در ورزش» بر آن تصریح می‌کند و اذعان می‌دارد که گفتمان غالب در ورزش، گفتمان سیاسی دست‌یابی به قدرت است.

بعد نقش معیار فرهنگی جامعه ایران بر فرهنگ ورزش‌های مدرن این تمایز از تفاوت در سرمایه فرهنگی تنیده‌شده (مکانیکی) با سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده (ارگانیکی) ناشی می‌شود. در ورزش‌های مدرن کسب مدارک و پیمودن مراحل و مراتب موفقیت راحت‌تر است و پیوسته نیست. برای مثال، کسب امتیاز داوری، در هر سطحی و صرفاً با گذراندن دوره‌ای خاص ممکن است. ورزش‌های مدرن از این حیث که گذار افراد از مرحله‌ای به مرحله دیگر سال‌ها طول می‌کشد، شبیه به ورزش‌های سنتی

نیستند. بدیل مرشد در فرهنگ ورزش‌های سستی یا همان عامل هژمونی فکری و اخلاقی، در ورزش‌های مدرن عموماً روشنفکران هستند (اعتماد، ۱۳۸۳: ۳۶). می‌توان گفت همین اندازه که تاکنون ورزش‌های مدرن مورد اشاره دوام یافته و حتی علاقه‌مندانی نیز پیدا کرده‌اند از انتقال فرهنگی و رهنموددهندگی فکری روشنفکران این حوزه بوده است.

معیار جسمی-شخصیتی در میان معیارهای گفتمانی در آخر قرار گرفته است. این امر حاکی از این واقعیت است که هدف اصلی ورزش که عموماً سلامتی جسمی و شخصی دانسته می‌شود به حاشیه رانده شده است و به نظر می‌رسد افراد در ورزش نیز بیش از سلامتی جسمی و شخصی، به دنبال کسب هویت‌های فردی به اشکال جدید هستند. آنچه در ادبیات مدرن تحت عنوان دوری‌گزینی صورت‌بندی شده است و به معنای خارج‌ساختن روابط اجتماعی از زمینه‌های محلی کنش متقابل و نوسازی آن‌ها در پهنه‌های نامحدود زمانی مکانی است، در واقع مبین همین هویت‌های فردی در اشکال جدید است. در راستای نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود با توجه به بالا بودن مشارکت جوانان در ورزش‌های مدرن، با استفاده از مدیریت غیرسیاسی و فراهم‌نمودن شرایط حضور پیش‌کسوت‌های این ورزش‌ها در تصمیمات کشوری، بستر لازم را برای توسعه این ورزش‌ها فراهم گردد. این ورزش‌ها، پیشرفت و رشد ورزشکار را با سرعت بیشتری فراهم می‌سازند؛ امری که می‌تواند پاسخ مناسبی به نیازهای جامعه امروز باشد.

منابع

- صفائیان، علی محمد؛ امیرتاش، علی محمد؛ احمدی، مجتبی (۱۳۹۶) «تحلیل عاملی مؤلفه‌های الزام اجرایی با رویکرد مسائل اجتماعی قبل ازخصوصی سازی ورزش»، مجله علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، شماره ۳۹، صفحه ۲۹-۶۴.
- احمدی، حسین (۱۳۹۵) بررسی کارکرد نظام کنشی و غیرکنشی درگفتمان ورزشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- استونز، راب (۱۳۷۹) متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، نشر مرکز.
- اعتماد، شاپور (۱۳۸۳) معادلات و تناقضات گرامشی، ترجمه محمدرضا زمردی، تهران، طرح نو.
- بشیر، حسین (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان درپچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ چهارم.
- برتوتون، لو (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی بدن، ترجمه ناصر فکوهی، نشر ثالث
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱) «نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی»، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش‌ونگار.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰) تمایز، نقد اجتماعی و قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: انتشارات ثالث.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱) «کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی»، مجله ارغنون، تابستان ۱۳۸۱، دوره ۹، شماره ۲۰، صفحه ۱-۳۰.
- دانایی‌فرد، حسن؛ رحمان‌سرشت، حسین؛ مظلومی، نادر؛ خلیل‌نژاد، شهرام (۱۳۹۲) «الگوی مبنایی تصمیم‌گیری مدیریت ورزش ایران»، مجله پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، سال سوم، شماره ۱، صفحه ۲۳-۴۴.
- خداداد کاشی، فرهاد؛ کریم‌نیا، الهام (۱۳۹۵) «بررسی تأثیر عاملهای اقتصادی و اجتماعی بر موفقیت ورزشی کشورها در بازیهای المپیک (۱۹۹۶-۲۰۱۲)»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲۵، صفحه ۴۳-۶۷.
- خدایی، ابراهیم (۱۳۸۸) «بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین با احتمال قبولی آنها در آزمون سراسری سال ۱۳۸۵»، فصلنامه انجمن آموزش و پرورش عالی ایران، شماره ۴، صفحه ۶۵-۸۴.
- ذکایی، محمدسعید؛ صدیقی، سعیده (۱۳۹۴) «زنانگی و ورزش»، مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، شماره ۴۳، ۶۷-۹۲.
- رحمتی، محمد مهدی؛ گرجیان، فرناز؛ عبداللهی چندانق، حمید (۱۳۹۶) «هژمونی، رسانه و ورزش: تحلیل گفتمان بازتاب رسانه‌ای مسابقات فوتبال در مطبوعات (مورد مطالعه: دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۷۰)»، مجله جامعه، فرهنگ و رسانه، دوره ۶، شماره ۲۴، صفحه ۱۱-۳۰.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) بنیان‌های جامعه‌شناختی، خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی، ترجمه تقی آزاد ارمکی، تهران: انتشارات سیمرغ.
- سفیری، خدیجه؛ آراسته، راضیه (۱۳۸۶) «بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده»، مجله تحقیقات زنان، سال دوم، شماره اول، صفحه ۱۱۴-۱۴۷.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی انحرافات، نشر مریدنز
- عرب‌نرمی، بیتا (۱۳۹۷) «تلویزیون و توسعه ورزش؛ مطالعه‌ای با رویکرد نظریه گفتمان»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره ۵، شماره ۴، شماره پیاپی ۲۰، صفحه ۵۳-۶۲.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، چاپ اول.
- کیویستو، پیتر (۱۳۷۸) اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱) «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی-فرهنگی/بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران»، فصلنامه پژوهش، صفحه ۱۱۹-۱۸۲.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸) «ورزش و سیاست»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲، صفحه ۳۱۶-۳۰۱.
- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۸) «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱۰، صفحه ۱۸۵-۱۹۰.
- موزلیس، نیکوس (۱۳۹۴) بیراهه‌های نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه حمید پوررنگ، نشر ترجمان علوم انسانی
- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر جامعه‌شناسان
- نریمانی، مسعود (۱۳۸۶) یورگن هابرماس و نظریه انتقادی، دانشگاه آزاد قم. قابل مطالعه در سایت: <https://www.academia.edu/>
- نوابخش، مهرداد؛ جوانمرد، کمال (۱۳۹۲) بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه هشتاد (مورد مطالعه کرمان)، فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر، سال هفتم، شماره ۳ (پیاپی ۲۲)، صفحه ۱-۳۶.
- ون‌دایک، تئون ای (۱۳۷۷) «اقتدار، گفتمان و دسترسی»، ترجمه مجید خسروی‌نیک، مجله گفتمان، شماره ۲، از صفحه ۷۳-۱۰۲.

- Latinjak, Alexander Tibor; Ramis, Yago; Hatzigeorgiadis, Antonis; Torregrossa, Miquel (2017) Sport self-talk: An interpretative review, *Revista de Psicología del Deporte/Journal of Sport Psychology* Vol. 27. n. 2 2017. pp. 75-86.
- Clift, Bryan; Bustad, Jacob J. (2019) *The Psychology of Political Behavior in a Time of Change*, Psychology Department, Towson University, Towson, MD, USA.
- Carey, J. (1992) *The Intellectuals and the Masses: Pride and Prejudice among the Literary Intelligentsia 1880-1939*. London: Faber & Faber.
- Sharkov, F. I.; Silkin, V. V. (2020) Sociology of sports and the space of sports practices: Social genesis and sociological theories, *RUDN Journal of Sociology* 2020 Vol. 20 No.1 137-144.
- Habermas, Jürgen (1997) *The Liberating Power of Symbols: Philosophical Essays*, Cambridge: Polity Press.
- McGannon Kerry R. (2016) Critical Discourse Analysis in Sport and Exercise `What, why and how What, In book: *Routledge international handbook of qualitative research in sport and exercise*. PP. 230-242.
- Van Dijk, T. A. (1998) *Critical Discourse Analysis*, To appear in Tannen. Schiffrin, D. & Hamilton, H. (Eds), *Handbook of Discourse analysis* (in preparation), PP: 352-371.

The dominant discourse of Iranian society on the culture of modern sports in Iran

(A Case Study of Organized Sports in the Last Three Decades)

Sport has become one of the most pervasive factors in the sharing of different cultures. Sport in many fields transcends the boundaries of language, color, race, nationality, ethnicity, race and class; Boundaries are generally considered to be the distinguishing features of cultures. The purpose of the present study is to examine the dominant discourse on the culture of modern sports. The purpose of this study is to investigate the dominant discourse of Iranian society on the culture of modern sports. The approach of this research is qualitative. The statistical population of this study was counted and 30 heads of federations of the board of directors of modern sports that have been organized in the last thirty years; (Skating, billiards, bowling, boxing and liver sports associations, squash, archery, golf, wushu, triathlon, mountaineering, bodybuilding and polo). Targeted sampling method was selected. AHP method was used to analyze the data. All calculations were performed in ExpertChoice software. The results show that the political criterion with a weight of 0.463 has the first rank, the economic criterion with the weight of 0.204 has the second rank, the social criterion with the weight of 0.150 has gained the third rank. In explaining this fact, it can be said that modern sports have moved away from the main intended function for sports, which is health and well-being, and have been employed more in political, economic and social functions. These discourses have become so prevalent that in terms of analysis, the physical and personal discourse of the athlete has gained the last rank in terms of priority.

Keywords:

Dominant discourse, modern sports culture, political criterion, economic criterion

